

امام صادق و سنت گفت‌وگو با مخالفان

امام صادق(ع) مناظرات فراوانی با ایشان از جمله ابن‌ابی‌العوجاه، ابن طلوت، ابن اعمی و ابن مقفع داشته‌اند. ۲۰ امام صادق(ع) با تسلط کامل بر نظرات و عقاید مانویان و مزدکیان به آنها پاسخ می‌دهند و حتی به صحابه خود، آرا و عقاید آنان را آموزش می‌دهند. در فصل چهارم کتاب توحید مفصل، امام صادق(ع) به صحابه خود، مفصل، ابتدا به بیان عقیده مانویان می‌پردازد و نظر آنان را نسبت به آفرینش هستی و شرور و سختی‌ها و مصائب جهان به اصول دین مانویت را می‌سازد، مطرح می‌کند. سپس امام صادق(ع) که آنان به دلیل عدم آگاهی به سبب و حکمت برخی از آنان، بلاهایی را که گاه‌پدید می‌آیند چون وبا، یزقان، تگرگ، ملخ و . . . را بهانه می‌گیرند و به انکار آفرینشگر و حکمت آفرینش می‌پردازند. در واقع جهان هستی از بلاهای بزرگ که موجب تلاشی آن شود، در امان است و تنها گاه به دلیل ایجاد استقامت مردم و عبرت و موعظه بلاها و گرفتاری‌هایی برای مردم واقع می‌شود. همچنان‌که رفتن و برداشتن آن نیز از رحمت و لطف الهی است و اگر برخلاف این بود، استیکبار، سرسستی و راحتی انسان را به فساد در دین و دنیا می‌کشاند. ۵۰ روش امام صادق در مباحثه با مانویان و مزدکیان، با استدلال و منطق همبره است. ایشان بدون استفاده از مطالب قرآن که مورد استناد طرف مقابل نیست و تنها با تکیه بر استدلالات عقلی و استناد به اعتقادات آنان به شبهات آنان پاسخ می‌دهند.

۳- استفاده از روش جدل و برهان و پرهیز از سفسطه و مغلطه در بحث
به طور کلی الهی(س) در مباحثات از روش جدل و برهان استفاده می‌کردند و نظرات طرف مقابل بحث را نیز به صورت مستدل و عقلانی طلب می‌کردند. هنگامی که در گفت‌وگویی قوانین جدل و برهان رعایت نمی‌شد و برای اثبات مطلب از سفسطه و مغلطه استفاده می‌شد و یا به امر محالی اشاره داشت، بلافاصله امام تذکر داده و بحث را ادامه نمی‌دادند. فردی از امام صادق(ع) در مورد رابطه پرستش خداوند با عدم رویت او سؤال می‌کند و می‌پرسد: چگونه بندگان خدا را می‌پرستند در حالی که او را نمی‌بینند. امام صادق(ع) پاسخ وی را می‌دهند و او باز سؤال می‌کند آیا خداوند قادر نیست خود را به نحوی ظاهر کند تا اینکه مردم او را بشناسند و ببینند و با یقین پرستش کنند؟ امام صادق(ع) می‌فرماید: سؤال تو از یک امر غیومکن و محال است نه از ناحیه قدرت خدا. دانشمندان عقیده دارند که قدرت خداوند به امر محال تعلق نمی‌گیرد. زیرا امر محال ذات و شئیت ندارد که در دایره ممکن و موجود درآید. ۶۰ همچنین در مباحثاتی که با فردی دهری که به اصلات زمان و ماده معتقد بودند، مطرح می‌کنند که امام با استدلال و استدلال از امام باقر و نظم و استناد از مثال‌های حسی و معمولی از رنگ و شکل پرندگان تا احکام ستارگان به اثبات صانع با تدبیر و حکیم می‌پردازد. ۷۰

۴- رعایت ادب و موارد اخلاقی

مباحثات و گفت‌وگوهای بین ادیان که با حضور ائمه (س) مطرح می‌شد، رعایت موارد اخلاقی و ادب در بحث کاملاً مشهود است. امام صادق(ع) فرد غیروسلمان را برادر خطاب می‌کردندو با سعه‌صدر و آراش خاصی به سئوالات پاسخ می‌دادند و حتی در مواردی که چندین بار یک سؤال با عبارات گوناگون از ایشان مطرح می‌شد، با آراش پاسخ می‌دادند، حتی در شرایطی که سؤال آنان توهم به مقدسات اسلامی بود، امام به ملایمت پاسخ می‌دهند. به عنوان نمونه ابن‌ابی‌العوجاه در هنگام طواف خانه کعبه به نزد امام صادق(ع) رفته و با صراحت به امام می‌گوید: تا کی گرد این خرم بگردید و بنده پناه به این سنگ و بیوسید این خانه را که از خشت و گل است و شتروار برگرد آن بچرخید. ۸۰ امام صادق(ع) با سعه صدر، طرق هدایت و ضلالت را با استدلال با ابن‌ابی‌العوجاه مطرح می‌کند و امر طواف خانه کعبه را امتحان خلق در طاعت خداوند می‌داند و سپس از اهمیت خانه کعبه سخن می‌گوید. ابن‌ابی‌العوجاه نمی‌پذیرد و امام با توضیحات بیشتر و کامل‌تری بحث را ادامه می‌دهد و چون محسوسات مورد قبول ابن‌ابی‌العوجاه بوده است، از طریق آن استدلالات خود در بیان می‌کند. همچنین امام صادق(ع) با فردی به نام عبدالله مصری وارد مباحثه شده و ابتدا از او نام و کنیه‌اش را می‌پرسد و در طول بحث هربار با عبارت برادر مصری او را خطاب می‌کند و به هیچ‌وجه سخن زشت و سفید بر زبان نمی‌راند. روش و منش امام صادق(ع) به گونه‌ای در میان مسلمانان و غیروسلمانان مشهود بود که اگر یکی از صحابه برخلاف آن رفتار می‌کرد، به شدت مورد شمتانت و سرزنش دیگران قرار می‌گرفت. در گفت‌وگوهای کین‌مفضل و یکی از مانویان پیش می‌آید، پس از اینکه فرد مانوی، ادله غیرنقلی را برای اثبات خداوند از ابن‌ابی‌العوجاه درخواست می‌کند مفصل با سخنان تند به او پاسخ داده و می‌گوید: ای دشمن خدا در بدین خدا الحاد می‌ورزی و خداوندی که تو را تا بدین جا رسانده و به کامل‌ترین آفرینش پدیدآورده انکار می‌کنی؟ فرد مانوی پاسخ می‌دهد: ای مرد، اگر از متکلمانی با تو سخن می‌گویم، به صورتی که حق را نزد تو یاقیم از تو پیروی خواهم کرد. اما اگر از اینان یسنی هیچ سخن مگوی. اگر از یاران و اصحاب امام صادق(ع) هستی بدان که او این گونه با ما سخن نمی‌گوید و همانند تو با ما مجادله نمی‌کند او پیش از آنچه تو از ما شنیدی، از ما شنیده، اما هیچ گاه سخن را با فحش و تعدی آلوده نکرده است. او همواره در سخنان خود شکیا، باوقار، اندیشه‌گر و استوار بوده و هیچ زمانی به ستوه نمی‌آمد. او ابتدا یک به سخنان ما گوش فرامی‌دهد، می‌کشد که دلیل ما را به درستی دریابد، ما نیز همه چیز خود را به میان می‌آوریم. آن گاه با سخنان کوتاه و اندک دلایل مان را می‌شکند و ما را تسلیم دلیل خود می‌کند به گونه‌ای که پاسخی به دلالتش نمی‌یابیم. حال اگر تو از یاران اویی تو نیز چون او با ما سخن بگو. ۹۰

پی‌نوشت‌ها:

- منتهی الامثل، عباس قمی، ج ۲، ص ۷۱۱
- تاریخ مختصر الدول، ابن‌العبری، ص ۱۸۷
- ۳- ابن‌عمران/۶۶
- ۴- اصول کافی، کلینی، ج ۱، ص ۹۵
- ۵- توحید مفصل، مفصل‌بن‌عمر، میرزایی، صص۱۵۵-۱۵۴
- ۶- مجلسی، بحارالانوار، ج ۱، ص ۱۶۴
- ۷- اصول کافی، کلینی، ج ۱، ص ۱۰۵
- ۸- کشف الغمه، الأربلی، ج ۲، صص ۴۰۱- ۴۰۰
- ۹- اصول کافی، کلینی، ج ۱، ص ۹۷
- ۱۰- توحید مفصل، مفضل بن عمر، نجفعلی میرزایی، صص ۴۱- ۴۰



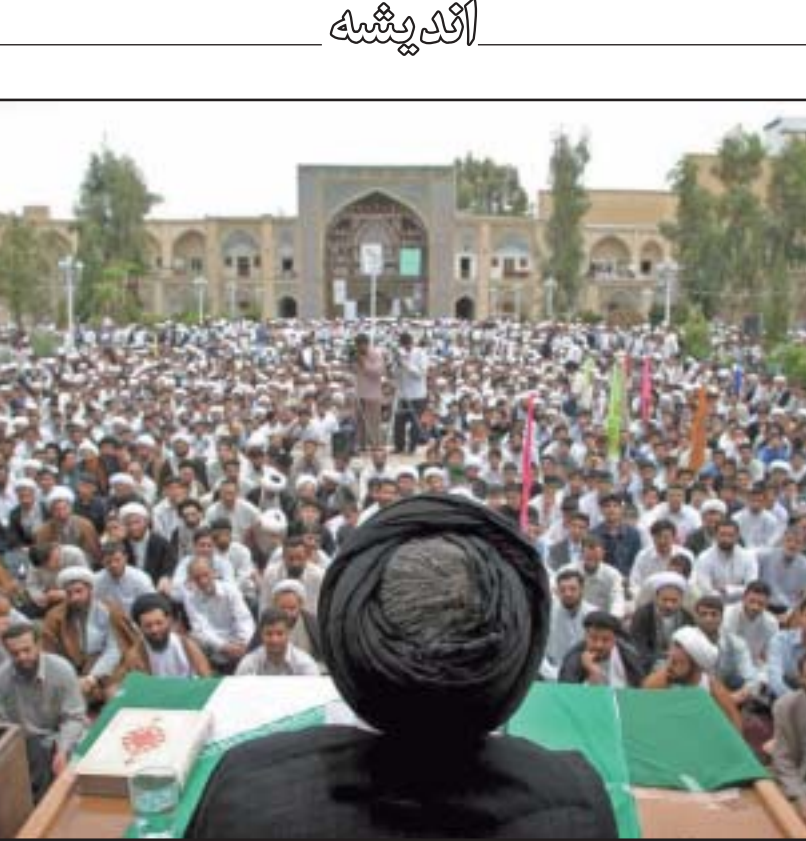
ایشان تاریخ‌هایی از جمله ۱۷ ربیع الاول، اول ماه رجب و سیزدهم ربیع الاول را ذکر کرده‌اند و در خصوص سال ولادت نوشته‌اند که آن امام در سال ۸۳ هجری با سال ۸۶ را هم برای تولد امام صادق(ع) ذکر کرده‌اند ولی روایت معروف‌تر به سال‌های ۸۶-۸۳ اشاره دارد. اما آنچه که نزد شیعیان و بزرگان تاریخ مشهور است چنین است که ولادت امام صادق(ع) در صبح روز جمعه ۱۷ ربیع الاول سال ۸۳ هجری روی داده است. شهید اول، کتعمی، طبرسی و دیگران در کتب همین تاریخ را ذکر کرده‌اند. اگر در تاریخ ولادت امام جعفر اختلاف باشد، آن گاه در مورد سال امامت، مدت امامت، تاریخ وفات و میزان عمر ایشان نیز اختلاف خواهد بود. اما همگان محل ولادت ایشان را شهر مدینه ذکر کرده‌اند.

■ **نسب**

خاندان و تبار اهل بیت(ع) – و اجداد گذشته خاندان رسالت و امامت – از نسل ابراهیم پیامبر(ع) و نواده اسماعیل ذبیح است و در سلسله مراتب صلیبی به عبدالمطلب می‌رسد. عبدالمطلب دوازده پسر داشت که کوچکترین آنها عبدالله بود و حضرت محمد(ص) به رسول گرامی اسلام تنها فرزند او است که هرگز دیده و دیدار پدر نگشود و در دوران جنینی پدر را از دست داد. فرزند دیگر عبدالمطلب، ابوطالب است که حضرت علی(ع) فرزند او است و بدین سان حضرت محمد(ص) و حضرت علی(ع) پسرعموی یکدیگرند و حضرت علی(ع) بیش از ۳۰ سال از او کوچکتر است. بعدا حضرت علی(ع) در عصر حکومت پیامبر (ص) در مدینه، با کوچکترین دختر او، فاطمه معصومه (سلام‌الله علیها) ازدواج کرد و نسل پیامبر(ع) و حضرت علی(ع) از طریق این ازدواج تداوم یافت. از نسل حضرت علی(ع) و حضرت فاطمه (سلام‌الله علیها) یازده گوهر درخشان و مهرهای ولایت درخشیدند که امام صادق(ع) نسل چهارم این زوجین شریف است و ششمین امام شیعه، یا خلیفه راستین پیامبر (ص) به شمار می‌رود.

■ **پدر:** پدر امام صادق(ع)، حضرت امام محمدباقر(ع)، فرزند حضرت علی بن الحسین زین‌العابدین، امام چهارم است. باقرالعلوم(ع) در روز اول ماه رجب یا سوم ماه صفر سال ۵۷ ه‍. ق در مدینه متولد و در سال ۱۱۴ ه‍. ق در سن ۵۷ سالگی به دستور هشام بن عبدالملک مروان دهمین خلیفه اموی، در مدینه مسموم و به درجه شهادت نائل شده است، مرقد شریف ایشان در قبرستان بقیع واقع است. ایشان نوزده سال و ده ماه و دوازده روز (از سال ۹۵ تا ۱۱۴ ه‍. ق) ردای امامت را بر دوش داشتند. آن حضرت در جریان واقعه کربلا حضورداشتند، در حالی که بیش از سه سال و شش ماه و ده روز از عمر شریفشان نگذشته بود؛ تمام مصائب کربلا و اسارت را از نزدیک دیده و خود نیز جزء مصیبت‌زدگان بودند. پیشواى پنجم، نمونه فضل و کمال، علم و دانش و تجلی علمى الهى بودند و حرکتى که در جهت آشکار ساختن و روشن نمودن ارزش‌های اسلامى در کلیه ابعاد داشتند حرکتى بس عمیق بود که در طول قرن‌ها در فرهنگ نایب و زلال الهی در برابر تجاوز بیگانه حراست و حفاظت نمود به همین جهت است که آن حضرت به باقرالعلوم(ع) یعنی شکاننده علم‌ها معروف شدند.

■ **مادر:** مادر آن‌حضرت «ام‌فروه» دختر قاسم بن محمد بن ابی‌بکر است. به این جهت از طرف مادر نسبت آن بزرگواران به ابوبکر می‌رسد و چون قاسم بن محمد بن ابی‌بکر با دخترعموی خود «اسماء» دختر عبدالرحمن بن ابی‌بکر ازدواج کرده بود، مادر آن حضرت هم از طرف پدر نواده ابوبکر است و هم از طرف مادر. به این مناسبت امام صادق(ع) – آن‌طور که در کتاب «پرتویی از زندگانی امام صادق(ع)» آمده است – فرمود: «ابوبکر دو بار مرا به دنیا آورد. یعنی از دو راه نسبت من به او می‌رسد. ا امام صادق(ع) درباره مادر خود فرموده‌اند: مادر من از کسانی است که ایمان آورد و تقوای الهی پیشه ساخت و کار نیک انجام داد، و خدا نیکوکاران را دوست می‌دارد. امام ششم(ع) با این جمله کوتاه ولى پرمغز و بامحتوا که از قرآن (سوره نحل، آیه ۱۲۸) الهام گرفته است، تمام اوصاف نیکو و پسندیده را برای مادر خویش بیان فرموده؛ یعنی همان اوصافی که امیرمؤمنان(ع) برای متقین در جواب سؤال همام بیان فرمود: «ای همام، از خدا بترس و نپکی کن، زیرا خداوند با کسانی است که تقوا پیشه کنند و کار نیک انجام دهند.» به هرحال تقوا و پاکدامنی ام‌فروه تا حدی بود که معسوری می‌نویسد: «ام‌فروه از تمامی زان زمان خود بقائوتار بود. »



نگاهی به زندگی امام جعفر صادق(ع)

احیاگر راستین سنت نبوی

در طول تاریخ اسلام، البته پس از عصر پیامبر، دست می‌زنند و دوران طلایی اسلام را آغاز می‌کند.

دشمن سرگرم درگیری و بند و بست سیاسی خویش است و نمی‌داند که در جامعه چه می‌گذرد و امام به چه اقدام مهم و از نظر آنها خطرناکی پرداخته است. اگر دشمن از عمق فعالیت فرهنگی امام سر درمی‌آورد، بی‌شک آن را برای خویش فاجعه تلقی می‌کرد. زیرا عمل امام در واقع از رسمیت انداختن حکومت آنها و ولایی که از خاندان وحی و رسالت فراگرفته بود، برخوردار گشت. برای پی بردن به مقام دانش ایشان به نقل یک مورد بسنده می‌شود.

شخصی به نام«عبدالاعلی» می‌گوید: «ام‌فروه را دیدم که در اطراف خانه کعبه طواف می‌کرد و لباسی پوشیده بود که کسی او را نشناخت. هنگامی که خواست دست خود را روی حجرالاسود بگذارد، دست چپ را روی سنگ گذاشت، مردی (که به نظر می‌رسد از عامه بوده) به او گفت: دست چپ را روی سنگ گذاشتن برخلاف سنت است و تو اشتباه کردی. ام‌فروه گفت: لازم نیست تو چیزی به ما بیاموزی، چرا که ما از دانش شما بی‌نیاز هستیم. »

در هر حال امام صادق(ع) در دامن رسالت و مرکز وحی تولد یافت و رشد کرد و بخشی از دوران زندگی خود را تحت توجهات و عنایات جد خود حضرت زین‌العابدین(ع) و پدر

بزرگوار خویش امام باقر(ع)

سپری کرد.

■ **دوران حیات**

دوران حیات امام

صادق(ع) عصر جدیدی برای دنیای اسلام بود.

عصری که مردم پس از گذراندن یک دوره سخت و جانکاه و جوی سراسر خفقان و دورویی و دوگویی توانستند نفسی نسبتاً راحت بکشند و چشمی به جهان اطراف

گشاده دارند، نیکو بینند در

دور و برشان چه می‌گذرد و از حق و باطل چه نشان و خبری است. دو گروه قدرتمند باطل بر سر هم می‌کوبند و با هم درگیری دارند و این میان امام از فرصت و موقعیت استفاده می‌کند و برای نجات اسلام و ارشاد

مسلمین از جای برمی‌خیزد و به قوی‌ترین تلاش فرهنگی

برنامه‌های اصلاح طلبانه امام صادق در تفکر شیعی

امام آگاهی و اصلاح

دوم: کارهای زیربنایی که شامل پایگاه‌های مردمی

و گوناگون و آگاه بود که مسئولیت‌های آن پایگاه‌ها را

برعهده گیرد.

از این‌روست که می‌توان امام صادق را امام آگاهی و اصلاح دانست. امامی که با آگاه کردن شیعیان، شجاعانه در برابر انحرافات موجود می‌ایستاد و هوشمندانه با توجه به فضای سیاسی که پدید آمده بود به ترویج تفکرات شیعه راستین و ترسیم چهره واقعی شیعه پرداخت.

در کتاب تاریخ عرب آمده است که حرکت علمی امام صادق آن سان گسترش یافت که سراسر مناطق اسلامی را در بر گرفت و مردم از علم او چیزها می‌گفتند و شهرت او در همه شهرها پیچیده بود. جاحظ درباره امام صادق می‌گوید: «امام صادق چشمه‌های دانش و حکمت را در روی زمین شکافت و برای مردم درهای از دانش گشود که پیش از او معهود نبوده جهان از دانش وی سرشار گردد. »

و این رفتار به خوبی موید آن است که امام صادق

مبارزه با جهل و خرافه و انحراف را بزرگ‌ترین رسالت

برای شیعه می‌دانست حتی در زمانی که امکان استفاده از فضای سیاسی عباسیان به‌وجودآمده بود. شجاعانه همچنان که شایسته یک امام شیعه است به بازی سیاستمداران وارد نشد و به پرورش تفکر شیعی پرداخت؛ تفکری سرشار از آگاهی و اصلاح.

سال سوم ■ شماره ۷۳۵ شرق

یادداشت

شیعه ما اطاعت خدا می‌کنند

علی احمدی

«مکتب امام صادق» یا «مذهب جعفری» یکی از آشناترین اصطلاحات مذهبی در تاریخ است. پیروان این مکتب به درستی می‌دانند که پیرو دین و آئین محمد(ص) هستند و مسلمان و شیعه‌مذهبنند و پیرو دوازده امام و منتظر آخرنشان.

اوج گیری بدعت‌ها و مکاتب و فرقه‌های گوناگون در زمان امام صادق (ع) باعث شد تا پیروان ایشان نسبت به این اتفاقات موضع بگیرند.

امام، مانند پدر بزرگوارشان در زمان خود روشی آرام و مسالمت‌آمیز و البته مخصوص به خود را در مواجهه با این اتفاق انتخاب کرده بودند و این شاید باعث شده بود طرفداران جهادطلب، کمتر از طرف ایشان امکان فعالیت داشته باشند. اما گروهی از پیروان پدر امام صادق (ع) که اکنون شیعیان ایشان محسوب می‌شوند همواره در مقابله با دیدگاه‌های دیگر فرقه‌ها حضوری جدی داشتند و آشکارا و بی‌پرده در اظهارات و دیدگاه‌ها درباره «امام» و وظایف او خطبه‌ها می‌خواندند و در شیعیان راستین از قول امام باقر (ع) می‌گفتند: «همانا شیعه ما، شیعه علی، با

دست و دل گشاده و از گشاده‌دستی و بی‌ریایی از ما طرفداری می‌کنند و برای زنده نگه داشتن دین، متحد و پشتیبان ما هستند، اگر خشمگین گردند، ستم نمی‌کنند و اگر خرسند باشند از اندازه نمی‌گذرند، برای آن کسی که همسایه آنان باشد برکت دارند و با هر کس که با آنان مخالف باشد طریق مسالمت پیش می‌گیرند. » ابوعبدالله جعفر فرزند ارشد امام محمد باقر(ع) با خویشاوندی قوی و دوجانبه با امام علی(ع) و از جانب پدر و مادری «علوی» در مدینه به دنیا آمد تا چهارده سالگی کم و بیش با پدربزرگش امام زین‌العابدین(ع) و در حدود بیست و سه سال نیز تحت تربیت و ارشاد مستقیم پدرش امام محمدباقر(ع) رشد کردند و دست‌کم با بیست‌وهشت سال، دوران امامت او طولانی‌تر از هر امام دیگری از خاندان حسین(ع) بود و حالا از میان امامان و رهبران فرق و مکاتب همسایه‌اش معروف به صادق، جعفر صادق، راکت و صلیح از میان ایشان.

همه تلاش‌های فراوانی که گروه‌های مختلف به منظور تدوین، تبیین و تشریح نوشتارهای اعتقادی خود برای ترکیب جماعت مسلمان می‌کردند، دوره امامتش را از حساس‌ترین دوران تاریخ اسلامی از جنبه‌های مختلف مذهبی، آئینی و نیز سیاسی کرده بودند. بسیاری از حوادث تاریخ‌ساز، نهضت‌های خشنونت‌آمیز، نتایج طبیعی فعالیت‌های مختلف تحت جریان و تلاش‌های انقلابی و بالاتر از همه موضوع گیری سازشکارانه اهل‌الحديث و برخی دیگر در زمینه‌های فوق نیز همه در این دوران قرار گرفت.

از قضا وجود این اوضاع پیچیده و چندبعدی صعود دوران امام ایشان را به تعالی و درجه‌ای والا تسهیل کرد و پس از آن دوران قُرت به چنان درجه‌ای از تعالی رسید و این در حالی بود که پیروان پدر و پدربزرگش از هر روز کمتر بودند آن قدر ناچیز که حتی فکر قیام نیز در ذهن اصحاب و شیعیان خاص ایشان ناممکن‌ول و ناممكن بود. خودکامگی حکومت‌امویان و بی‌اخلاقی ایشان در حکومت، به خصوص قتل عام فرزندان پیامبر(ص) در کربلا کام مسلمین را تلخ و آنها را در اعتقاد همیشگی‌شان به مهدویت راسخ تر کرد.

اما این اتفاقات باعث ظهور عده‌ای از مدعیان مهدویت در زمان امام صادق(ع) شد و ایشان نیز با درایتی عمیق به مقابله با آنان پرداختند. در این میان اتخاذ روش مسالمت و تقیه و عدم درگیری در آلودگی‌های سیاسی نزد امام صادق(ع) و پدر ایشان، جماعت خونخواه و به اصطلاح هوادار خاندان پیامبر را به حمایت عمومی و توده از دیگر اعیان علی(ع) سوق می‌داد و هر چند که حتی خود این رهبران فرق نیز نسبت به مهدویت برای خود سست بودند اما عمده نیاز مردم در اینجا وجود رئیس

بود که بتوان به‌نام او نهضت و با قیام به سیف را شروع کرد. شاید دلیل اصلی همه این ماجراها این بود. می‌گویند آن تا آنجا پیش رفت که شیعیان «رافضی» نامیده شدند، چون وفاداری خود را نسبت به رهبر خود فسخ کرده بودند و با مراجعه به امام صادق(ع) مجدداً با ایشان بیعت کردند درحالی‌که به آنها می‌گفتند: «شما مرا رها کرده‌اید (رفضتمونی).»

ولی به هر ترتیب طی حوادث مختلف کسانی که در آن هنگام زمینه‌تلایمات شیعی را به نحوی از انحا داشتند آئین امامت امام ششم را پذیرفتند و سرانجام بخش عده‌ای را در جامعه اسلامی جدا از سایرین تشکیل دادند و این هرگز به معنی تاسیس فرقه‌ای مستقل که به تنهایی از مکتب و آئین شخص جعفرصادق(ع) اطاعت و پیروی کند تلقی نشد. اکنون رهبانیت در میان پیروان «اهل بیت» بی‌معنی بود و ده‌ها هزار نفر از شاگردان ایشان و پدرش هزاران حدیث راست، بلد بودند و آزادانه در فقه و احکام اجتهد می‌کردند. حالا بعد از هزاران حدیث مستند از معصومین پیشین و پیامبر(ص) و کلی درس و بحث از اصول و عقاید از توحید و نبوت و امامت و تبیین و تکوین بیان و تصریح پدر و جدش بر عقیده «امام بر حق ملهم به دانش خاص «علم لدنی»» از علوم مختلف نیز جغرافی و ریاضی، پزشکی و شیمی با نجوم همه اصل و تتمه صفحه‌و حاشیه کتب دانشمندان و عالمان از شاگردان این «مکتب» در «مدرسه امام صادق» و در بعد از قرآن» و استن و حدیث» حالا «عقل» نیز در اغلب موارد ملاک و معیار بود و در شناخت گوشه چشمی هم توجه به اصداد می‌کردند. امام صادق(ع) می‌گفتند «بنی‌امی مردم را در فرا گرفتن ایمان آزاد گذاشتند ولی برای گرفتن و آموختن شرک آزادی عمل ندادند تا خود شرک را بشناسند. هدف آنان این بود که هر وقت عمل مشترکشان را بر آنان تحمیل کردند ندانسته و ناآگاه آن را بپذیرند و انجام دهند. . . »